

Explaining the Relationship between Cultural Development and Values

Bijan Jani¹, Majid Reza Karimi^{2*}, Karamatullah Rasekh³

Received:2024/06/21
Accepted:2024/09/28

Research Article

Abstract

The inability of classical development theories, such as "dependency theory" and "modernization theory", cultural development and its impact on development became of special importance. Cultural development faces obstacles. Determinism and ethnocentrism are among the major obstacles that stand against cultural development, the categories that are the subject of this research. Determinism and ethnocentrism were measured as independent variables and cultural development as a dependent variable. The purpose of investigating the effect of these obstacles on cultural development is to emphasize the change in the structure of values in the families of Shiraz City. This research was carried out using a survey method. The sample was 384 citizens living in Shiraz, whose number was calculated using Cochran's formula, and a questionnaire was distributed among the families of the statistical population from cluster sampling. The findings showed that the two variables of ethnocentrism and fatalism have a definite effect on the determination of social values, and there is a significant relationship at the level of 99% and above, and the hypotheses are confirmed. Also, the findings show that the tendency towards ethnocentrism and fatalism has an influence on democracy, globalization, and scientism and is an obstacle to cultural development.

Keywords: Cultural development; Culture; Development; Ethnocentrism; Fatalism; Shiraz; Value

Jani, B., Karimi, M. R., & Rasekh, K. (2024). Explaining the Relationship between Cultural Development and Values. *Journal of Political and International Research*, 16(60), pp. 75-88.

¹ Ph.D. student of Political Sociology, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran. b.jani.s.m@gmail

² Assistant Professor, Department of Social Sciences, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom, Iran (**corresponding author**)

³ Associate Professor, Department of Social Sciences, Jahrom Branch, Islamic Azad University, Jahrom; Iran, rasekh_k@yahoo.com



تبیین رابطه توسعه فرهنگی و ارزش‌ها

بیژن جانی^۱، مجید رضا کریمی^۲، کرامت الله راسخ^۳

مهمم پیو هههه	تترخخربییفممه ۱۱/۰۵/۰۳ تترخخ شوشش ۷۷/۷۷/۰۳
---------------	---

چکیده

مطالعات فرهنگی در گذشته اغلب با استفاده از رویکردهای «نظریه وابستگی» و «نظریه نوسازی» و دیگر نظریه‌های کلاسیک در این زمینه انجام گرفته است. هدف این پژوهش بررسی رابطه توسعه فرهنگی بر ارزش‌ها با استفاده از رویکردهای مطالعات فرهنگی است. مطالعات فرهنگی رویکرد جدیدی برای بررسی تأثیر فرهنگ بر فرآیند توسعه است. در این پژوهش بر این اساس تأثیر دو متغیر فرهنگی تقدیرگرایی و قوم‌مداری بر توسعه فرهنگی بررسی می‌شود. منظور از توسعه فرهنگی در این بررسی تأثیر این متغیرها بر ارزش‌های فردی و اجتماعی است. روش پژوهش پیمایش است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از یک پرسشنامه محقق ساخته انجام گرفته است. جامع آماری بر اساس جمعیت شیراز در آمارگیری سال ۱۳۹۵ تعیین شده است. جمعیت شیراز بر اساس اطلاعات مقامات مربوطه در این سال ۱۵۶۵۵۷۲ نفر می‌باشد که از میان آن‌ها ۳۸۴ نفر به‌عنوان آمار نمونه با استفاده از روش تصادفی و نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دو متغیر قوم‌گرایی و تقدیرگرایی بر تعیین ارزش‌های اجتماعی تأثیر قطعی دارند و رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد به بالا بین دو متغیر قوم‌گرایی و تقدیرگرایی و تغییر ارزش‌های اجتماعی وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرایش به قوم‌گرایی و تقدیرگرایی بر روندهای دموکراتیزه شدن، جهانی شدن و علم‌گرایی نیز تأثیرگذار هستند. نتیجه نهایی پژوهش نشان می‌دهد که تغییر ارزش‌های اجتماعی بر فرآیند توسعه فرهنگی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، تقدیرگرایی، قوم‌گرایی، شیراز

جانی، بیژن، کریمی، مجید رضا، راسخ، کرامت الله (۱۴۰۳). تبیین رابطه توسعه فرهنگی و ارزش‌ها. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۰، صفحات ۷۵-۸۸.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران، دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۴ شیراز، b.jani.s.m@gmail.com

^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران، (نویسنده مسئول)

^۳ دانشیار گروه علوم اجتماعی، واحد جهرم، دانشگاه آزاد اسلامی، جهرم، ایران، raskh_k@yahoo.com

مقدمه

توسعه، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در نهایت فرهنگی بعد از جنگ دوم جهانی در دستور کار جهانی قرار گرفت و از این طریق زمینه پیدایش مفاهیمی همچون، توسعه^۱، توسعه نیافتگی^۲، جهان سوم^۳، رشد^۴، ترقی^۵، نوسازی^۶ و تکامل^۷ فراهم گردید. این تحول زمینه ساز طرح نظریه های گوناگون بر اساس جهان بینی مختلف شد. موضوع اصلی این رویکردهای نظر تا دهه هفتاد میلادی توسعه اقتصادی (رشد تولید ملی) بود. به تدریج معلوم شد که توسعه اقتصادی به عوامل اجتماعی، سیاسی، روانی و فرهنگی نیز وابسته است. توسعه فرهنگی در بین فرآیندهای توسعه فوق از اهمیت بیشتری برخوردار است، چون توسعه فرهنگی روند بسیار پیچیده است. توسعه فرهنگی با ارزش ها و هنجارهای اجتماعی ارتباط دارد و با مقاومت گسترده در ساختارهای توسعه نیافته درگیر می شود، همان طور که در کشورهای توسعه نیافته خاورمیانه در نیم قرن گذشته مشاهده شده است

۱- بیان مسئله

توسعه فرهنگی به فرآیند تغییر عناصر فرهنگی اطلاق می شود: «توسعه فرهنگی در تحلیل نهایی بستگی به غنی کردن و شکل دادن فرهنگ شخصی هر فرد به نحوی که او قادر سازد فرهنگ خود را بیان کند و فرهنگ خود را تولید کند» (پهلوان، ۱۳۷۸: ۲۰). یکی از رویکردهای نظری که در این باره طرح شده است، رویکرد خطی است که عمدتاً مارکسیست ها و اثبات گراها شارح آن هستند. بر این اساس توسعه فرهنگی در روندی خطی به دنبال توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی قرار می گیرد. تحول فرهنگی در جوامع توسعه نیافته از جمله جوامع خاورمیانه و از آن میان جامعه ایرانی نشان داد که فرآیند توسعه فرهنگی به مراتب دشوارتر از آن است که تصور می شود. عوامل فرهنگی مانند تقدیرگرایی^۸ یا قوم مداری^۹ عناصر نیستند که به سادگی به دنبال تحولات اقتصادی و حتی اجتماعی بنیادی تغییر کنند.

تقدیرگرایی، باور به تعیین شدگی سرنوشت انسان اشاره دارد. این باور قدمت هزاران ساله دارد و بیان تأثیر عواملی بر سرنوشت انسان است که از اختیار او خارج هستند (راستی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵۲). قوم مداری برخلاف تقدیرگرایی ماهیت اجتماعی دارد. قوم مداری بیان ساختار جماعتی است. قوم مداری به رغم اینکه سازه ای اجتماعی است، لیکن عمیقاً تحت تأثیر عوامل فرهنگی است، به طوری که بر فرهنگ جوامع تأثیر بنیادی می گذارد. قوم مداری نیز با توسعه اقتصادی و حتی اجتماعی به طور کامل از بین نمی رود. جوامع و کشورهای خاورمیانه در چند دهه گذشته بیان این ادعا هستند. اهمیت قوم ها در ساختارهای دولت های ملی در چند دهه اخیر به مراتب کمتر شده است، به طوری که ۴ درصد مردم دنیا در کشورهای زندگی می کنند که دارای یک گروه قومی نیرومند و تأثیرگذار هستند. قوم مداری نیز مانند تقدیرگرایی اهمیت فرهنگی و به دنبال آن ذهنی دارد. فرهنگ قومی با تضعیف زندگی به شیوه قومی از بین نمی رود، بلکه به شکل های گوناگون به حیات خود ادامه می دهد. بنابراین، قوم و قوم گرایی فقط یک پدیده اجتماعی نیست، بلکه از اهمیت فرهنگی تأثیرگذار برخوردار است. همین اهمیت فرهنگی سبب تأثیر سیاسی قوم گرایی در بسیاری کشورها، به ویژه کشورهای خاورمیانه شده است، چون «قوم گرایی، رویکردی است که در آن اشکال اخلاقی، دینی و اجتماعی اقوام دیگر را با معیارهای قوم خود دآوری می کنیم و به این ترتیب اختلاف های آن ها را به حساب ناهنجاری های شان می گذاریم» (کلود ریویر، ۱۳۸۶: ۲۳).

کشورهای خاورمیانه نمونه های بارز مشکل قومیت در عصر جدید هستند. اقوام مختلف در این منطقه از دنیا زیر پوشش های مختلف از جمله دین، مذهب، ملیت، زبان، نژاد درگیر مجادلات قومی هستند. عرب ها با کردها، ارمنی ها با آذربایجانی ها، شیعه ها

¹ development
² Undevelopment
³ Third world
⁴ Growth
⁵ Progress
⁶ Modernization
⁷ Evelotion
⁸ Fetalism
⁹ Ethnocentrism

با سنی‌ها و به همین ترتیب درگیر مبارزات گاهی خونین هستند. چشم‌اندازی برای حل این‌گونه درگیرها در آینده نزدیک دیده نمی‌شود. قوم از جمله پنج عامل اصلی هویت‌های اولیه مانند نژاد، قوم، زبان، دین و مذهب هستند، بنابراین تأثیر آن‌ها بر حیات انسانی بسیار است.

ایران نیز مانند برخی از کشورهای خاورمیانه درگیر مسائل قومی است. ایران در مقایسه با سایر کشورها از لحاظ همانندی قومی در رتبه شانزدهم قرار دارد. در ایران اقوام کرد، فارس، لر، ترک، عرب، بلوچ، ترکمن و بسیاری قومیت‌های دیگر در کنار هم زندگی می‌کنند؛ پژوهش در این زمینه در این منطقه از دنیا از جمله ایران از اهمیت خاص برخوردار است (راسخ، ۱۳۹۵: ۱۱۹-۱۳۵).

بنابراین، قوم و قومیت در ایران در حال حاضر و در آینده یکی از مهم‌ترین مسائل نه فقط توسعه اجتماعی، بلکه توسعه فرهنگی است. موتور محرک قومیت ارزش‌های اجتماعی است. ارزش‌های اجتماعی متفاوت هستند که محتوای قومیت‌های مختلف را می‌سازند. قوم‌گرایی یک پدیده صرف اجتماعی نیست، بلکه حاوی عناصر مختلف فرهنگی است. یکی از این عناصر فرهنگی تقدیرگرایی است. ساختار قومی میراث هزاران ساله شیوه زندگی عشیره‌ای بشر است، در نتیجه با عناصر دیگر فرهنگی آمیخته است. یکی از این عناصر تقدیرگرایی است. این دو متغیر از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر سرنوشت نه فقط انسان ایرانی، بلکه مردمان خاورمیانه است. بررسی در این زمینه از اهمیت خاص برخوردار است.

این پژوهش در شهر شیراز اهمیت دارد. شیراز مرکز استان فارس است. اقوام گوناگون در بطن و اطراف آن زندگی می‌کنند. دو قوم لر و ترک در این میان از اهمیت خاص برخوردار است. این پژوهش درصدد پاسخ گفتن به عوامل عمده تأثیرگذار بر ارزش‌های اجتماعی به‌مثابه عامل تعیین‌کننده حیات انسان است. تقدیرگرایی و قوم‌گرایی از جمله این عوامل و بر توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) تأثیرگذار هستند. دو پرسش بنیادی محتوای این پژوهش را می‌سازند:

- چه رابطه‌ای بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی وجود دارد؟

- چه رابطه‌ای بین قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی وجود دارد؟

۲- روش تحقیق

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد و با حجم نمونه مقتضی از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ خانواده انتخاب شد. واحد پژوهش سرپرستان خانواده‌ها هستند. جامعه آماری تمامی شهروندان شهر شیراز هستند که در زمان تحقیق ساکن این شهر بودند. زمان این تحقیق و توزیع پرسشنامه پاییز و نیمه دوم سال ۱۴۰۰ خورشیدی بود. حجم نمونه بالغ بر ۳۸۴ نفر از بین جمعیت ۱۵۶۵۵۷۲ نفری شهر انتخاب شدند. پرسشنامه در میان سرپرستان خانواده‌ها توزیع شد. متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) از طریق سنجش مجموع ارزش‌های زمینه‌ای ایجادکننده توسعه فرهنگی (دموکراسی، جهانی‌شدن، علم‌گرایی)، سنجیده شد.

۳- پیشینه تحقیق و مبانی نظری

کشورهای بسیاری در سه قاره افریقا، آسیا و آمریکای لاتین به دنبال جنگ دوم جهانی به استقلال رسیدند. بیشتر این جوامع با شاخص اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توسعه‌نیافته بودند؛ بنابراین، مشکل توسعه به‌مثابه مسئله‌ای جهانی مطرح و به طرح نظریه‌های اساسی مانند نظریه نوسازی^۱-وابستگی^۲-نظام جهانی^۳ منجر گردید. این مکاتب برداشت‌های گوناگونی از مفهوم توسعه دارند. منظور از توسعه در ابتدا بیشتر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بود و کمتر به توسعه فرهنگی توجه شد.

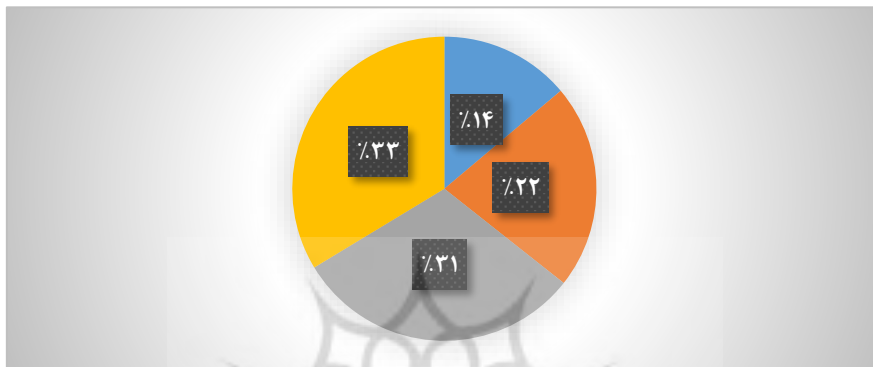
¹ Modernization

² Dependency

³ World System

به تدریج مشخص شد که مقولاتی مانند باورها، ارزش‌ها^۲ و هنجارها^۳ در فرآیند توسعه تأثیرگذار هستند. مشخص شد که فرهنگ در هر جامعه‌ای به همراه ارزش و ایده آل‌های اجتماعی بنیان توسعه است. مطالعه‌ای موردی در این زمینه نشان داد که چهار نوع ارزش بر فرآیند توسعه فرهنگی تأثیرگذار است (۱) ارزش وجودی (۱۴ درصد؛ ۲) ارزش مصرف (۲۱ درصد؛ ۳) ارزش انتخاب (۳۴ درصد؛ ۴) ارزش موروثی ۳۱ درصد. ارزش وجودی به وجود یا عدم وجود یک پارامتر فرهنگی در جامعه‌ای مشخص اشاره دارد، در صورتی که ارزش مصرفی به امکان یا عدم امکان مصرف آن، ارزش انتخابی به انتخاب یا خودداری از انتخاب آن ارزش و ارزش موروثی به پارامتر ارثی برای نسل بعدی اشاره دارد. خلاصه، توسعه فرهنگی به‌نوعی به امکان انتقال و پذیرش ارزش‌های نوین به جای ارزش‌های گذشته می‌پردازد.

شکل ۱: ارزش کل به درصد اقتصادی برای فضاهای فرهنگی



((webster, 1991:49)(۳۴:۲۰۲۲, Magdalena) (J.Armbrrecht, Andersson T.D., ۲۰۱۳)

۳-۱- تقدیرگرایی

مطالعات گسترده‌ای در ایران درباره چند مقوله عمده پژوهش، تقدیرگرایی، قوم‌مداری، توسعه فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی انجام گرفته است. فرهنگ با تعبیر دینی و مذهبی موضوع کاوش‌های بسیاری بوده است. این‌گونه پژوهش‌ها عموماً بار ایدئولوژیک دارند و از دیدگاه خاصی انجام می‌شوند. توسعه فرهنگی از نگاه علمی با شاخصهای فرهنگی کمتر موضوع پژوهش‌های نظری بوده است.

نخست به پژوهش‌هایی می‌پردازیم که موضوع آن‌ها تقدیرگرایی است. تقدیرگرایی موضوع مطالعات گسترده بوده است. الهام شفائی مقدم و محسن نیازی (۱۳۹۳) به بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان و تأکید بر نقش منفی تقدیرگرایی در توسعه پرداخته‌اند. تقدیرگرایی دارای تعاریف بسیاری است. واژه تقدیر به این مفهوم اشاره دارد که امور بدون دخالت انسان در جریان هستند (جلایی پور، ۱۳۹۲: ۴۰۲). امور جهان بر این اساس به عوامل ماوراءالطبیعه و متافیزیک نسبت داده می‌شود. این نیروها را در همه اوضاع و احوال، ناظر بر افعال و کردار انسان هستند (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۲۸۰). اورت راجرز^۴ تقدیرگرایی را وضعیتی فکری می‌داند که در آن فرد درک نازلی از توانایی خود نسبت به کنترل آینده دارد. او تقدیرگرایی را یکی از موانع توسعه فرهنگی می‌داند (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۸). راجرز معتقد است دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌دانند و از آنجایی که دهقانان معتقدند که ستیز با طبیعت به‌منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است هر زمان که خود با آشنایان در زندگی به موفقیتی رسیدند آن را به کارکرد عوامل ماوراءالطبیعه نسبت می‌دهند. وی در پرتو تحقیقات خود در زمینه تقدیرگرایی در جوامع سنتی و دهقانی به این نتیجه می‌رسد که دهقانان در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری، نرمش و گریز بوده و در نتیجه روحیه تقدیرگرایی از عواملی است که مانع پذیرش

¹ Belief

² Values

³ Norms

⁴ Uret Rogers

نوسازی و تغییر در میان دهقانان است. او معتقد است، تقدیرگرایی در میان دهقانان بر ساخت سنتی خانواده روستایی تأثیر می‌گذارد که ساختی مقتدرانه است. این ساخت سبب می‌شود جوان‌ترها افرادی بی‌اراده وابسته و مطیع تربیت شوند. این‌نشأت نیز مانند راجرز، تقدیرگرایی را یکی از موانع اصلی توسعه می‌داند زیرا انگیزه مشارکت را از شخص می‌گیرد (لهسای زاده، ۱۳۸۱: ۶۲). آنتونی گیدنز تقدیرگرایی را تسلیم طلبی مصلحت‌جویانه یا بدبینی وقیحانه می‌نامد، تسلیم طلبی مصلحت‌جویانه «باری به هر جهت است» که زندگی را بر اساس «هر چه پیش آید خوش آید» می‌گذراند و دیگر بدبینی وقیحانه که نگرانی‌های خود را پشت نقاب بی‌زاری از دنیا می‌پوشاند» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۸۷).

با توجه به منابع بالا، در این زمینه نظرات بسیاری ارائه شده است. در سنت جامعه‌شناسی پارادایم واقعیت اجتماعی و مکتب کارکردگرایی ساختاری، اعتقادات و باورهای گروهی و در کل تمامی محصولات زندگی جمعی زیر نفوذ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی پدید می‌آیند. تقدیرگرایی به‌عنوان یک عقیده گروهی و عمدتاً به‌مثابه واقعیتی اجتماعی نگریسته شده است که فرد را در رفتار اجتماعی هدایت می‌کند و به او در زندگی جمعی خط، جهت، روش و منش می‌دهد. در عین حال برای این گروه از صاحب‌نظران عوامل مؤثر بر تقدیرگرایی و نیز روابط و مناسبات میان این متغیر اجتماعی و عوامل و متغیرهای روانی (فردی) و عوامل فرهنگی مورد توجه بوده است. صاحب‌نظران بسیاری دیگر نیز مدل نظری در حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و مردم‌شناسی به مفهوم تقدیرگرایی پرداخته‌اند. گستردگی تحقیقات صورت گرفته که غالب آنان توسط محققین غربی می‌باشد، تقدیرگرایی را به‌عنوان متغیر مستقل یا وابسته (علت و معلول) بسیاری از زمینه‌ها و ریشه‌های برخی از رفتار نامتناسب توسعه در نظر گرفته‌اند. از جمله: مانفرد، مک کله لند، جاگار^۱، آلوین^۲، اورباخ^۳ و فیگرت^۴، آیزن^۵ و فیش‌باین^۶، بیرد^۷، کوهن^۸، پارادا^۹ و کورتز^{۱۰}، ویلیام گمسون^{۱۱}، پرچرون^{۱۲}، سندرز فیلیپس^{۱۳}، شوارتز^{۱۴}، پتمن^{۱۵}، میلر^{۱۶}، لیپست^{۱۷}، چپی بر، سی مور مارتین^{۱۸}، مارش^{۱۹}، گونزالس^{۲۰}، پارادا، سندرز^{۲۱}، زاهنر^{۲۲}، گابریل^{۲۳} و زینر. این نظریه‌پردازان در این میان عواملی (متغیرهایی) همچون کم‌سوادی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی خانواده، منشأ جغرافیایی، سن، وضعیت فعالیت اقتصادی، نیاز به موفقیت، یادگیری، احساس خود اثربخشی، احساس بی‌قدرتی، عزت‌نفس، بی‌اعتمادی سیاسی، احساس بی‌عدالتی، تبعیض، تعالیم دینی، بی‌ارزش بودن دنیا مورد بررسی قرار داده‌اند. مانفرد (۱۹۷۶) تقدیرگرایی را به‌عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی، خاص جوامع می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر است: ۱- عرف بر اعتقاد غلبه دارد، ۲- نظام اجتماعی-اقتصادی تولید در مرحله قبل صنعتی قرار دارد روابط اجتماعی تولید منعکس‌کننده ارزش فئودالیسم است، ۳- جوامعی که هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده‌اند، ۴- حداقل تحرک طبقه‌ای و حرفه‌ای (شغلی) دیده می‌شود، ۵- حداقل تقسیم‌کار و تخصصی در جامعه مشهود است، ۶- سواد و آگاهی‌های عمومی پایین است، ۷- عدم اطلاع از تاریخ قاعده کلی است، ۸- انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی

¹ Jagger

² Alwin

³ Auerbach

⁴ Figert

⁵ Ajzen

⁶ Fishbein

⁷ Byed

⁸ Cohen

⁹ Parada

¹⁰ Cortez

¹¹ William Gamson

¹² Precheron

¹³ Sanders - Philips

¹⁴ Schwartz

¹⁵ Pateman

¹⁶ Miller

¹⁷ Lipset

¹⁸ Martin.c.moor

¹⁹ Marsh

²⁰ Gonzalez

²¹ Sanders

²² Zaehner

²³ Gabriyel

است، ۹- نوعی احساس ناتوانی و بی‌قدرتی و ناامیدی در برابر واقعیات حاکم همراه با نوعی تسلیم و رضا شیوع دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶: ۱۹۴).

در این تحقیق به منظور مبانی عملیاتی مفهوم تقدیرگرایی از این نظریات استفاده شده است. مفهوم تقدیرگرایی (متغیر مستقل) در این پژوهش پذیرش بی‌چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آن تعریف می‌شود. امور جهان بر اساس این نوع اندیشه، خارج از حیطه تسلط و قدرت انسان است. فرد تقدیرگرا تمام امور جهان را به نیروهایی که خارج از تدبیر انسان است نسبت می‌دهد. بنابراین، تقدیرگرایی در مقابل تدبیر گرایی قرار می‌گیرد.

۳-۲- قوم‌گرایی

قوم‌گرایی مفهوم دیگری است که در این پژوهش، موضوع کاوش نظری و تجربی قرار گرفته است. در تعریف قوم‌گرایی آمده است، قوم‌گرایی، رویکردی است که در آن اشکال اخلاقی، دینی و اجتماعی اقوام دیگر با معیارهای قوم خود داوری و به این ترتیب اختلاف‌های آن‌ها به حساب ناهنجاری‌هایشان گذاشته می‌شود (کلودریویر، ۱۳۸۶: ۲۳). برای این مفهوم دو وجه می‌توان قائل شد: یکی تمایل فرد نسبت به درون گروه است که در حالت قوم‌مداری شدید، فرد گروه خود را با فضیلت‌تر و برتر می‌بیند و ارزش‌های گروه خودش را از ارزش‌های عام تلقی می‌کند و وجه دیگر آن، تمایل فرد نسبت به برون گروه است که در حالت قوم‌گرایی شدید، فرد برون گروه‌های را حقیر و پست می‌شمارد و ارزش‌های آن‌ها را طرد می‌کند و سعی می‌کند فاصله اجتماعی‌اش را از برون گروه‌ها حفظ نماید (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۲۸). قوم معمولاً با شاخص‌های زبان، فرهنگ و زادگاه مشخص می‌شود. آثار نظریه‌پردازانی همچون ویلیام کراس درباره هویت آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار نمونه رویکردی است که این شکل از مقوله‌بندی و هویت‌شناسی را نشان می‌دهد (Deaux, 2001:3). نظریاتی چند در مفهوم قوم‌مداری چه به صورت آشکار و چه به صورت گوناگون، ارائه گردیده است. گروهی از صاحب‌نظران برای تعریف قوم از جامعه‌شناسی تفسیری ماکس وبر استفاده می‌کنند. آن‌ها اقوام را با شاخص‌های معرفتی و شیوه زندگی از یکدیگر متمایز می‌کنند و شناخت را معیار قضاوت درباره اقوام و الگوی رفتار و زندگی آن‌ها قرار می‌دهند (عرفان منش، ۱۴۰۰: ۱۸۳). برخی نظرات اقوام را با بررسی روابط آن‌ها با اقوام دیگر تعریف می‌کنند. علی یوسفی، احمدرضا اصغر پور ماسوله (۱۳۸۸) به موضوع روابط بین قومی پرداخته‌اند و روابط بین قومی در ایران بین هشت قوم ایرانی شامل ترک، کرد، لر، عرب، فارس، بلوچ، ترکمن و طالش را بررسی کرده‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اولاً قوم‌مداری در نزد همه اقوام ایرانی بالاست، درعین حال کمترین قوم‌مداری از آن عرب‌ها و بیشترین قوم‌مداری از آن قوم بلوچ است. ثانیاً قوم‌مداری از یک سو سبب تضعیف روابط همزیستانه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از سوی دیگر باعث تشدید روابط تعارضی در بین اقوام می‌گردد و ثالثاً قوم‌مداری مانع از شکل‌گیری تنوع هویت جمعی (قومی) در شبکه روابط بین قومی می‌گردد. در این تحقیق مفهوم قوم‌گرایی به‌عنوان یکی از موانع توسعه فرهنگی ذکر شد است. این تحقیق باهدف عملیاتی کردن مفهوم قوم‌گرایی از نظریه ذیل استفاده شد. اندرو هیوود از صاحب‌نظرانی است که سعی دارد با توجه به گوناگونی دیدگاه‌های مفهوم «ملت» و «قوم» و مفاهیم متناظر آن‌ها، ناسیونالیسم ملی و قومی را روشن کند. از نظر او ملت‌ها که شکل جدید آن در دو سده اخیر تکوین یافته و همه‌جایی شده است، پدیده‌های پیچیده‌ای هستند که از ترکیب عوامل فرهنگی، سیاسی و روانی شکل گرفته‌اند. به لحاظ فرهنگی ملت، گروهی از مردم است که به واسطه زبان، دین، مذهب، تاریخ و سنت‌های مشترک باهم پیوند یافته‌اند، با این وجود، ملت‌ها سطوح گوناگونی از همگنی فرهنگی را نیز بروز می‌دهند. از لحاظ سیاسی ملت گروهی از مردم است که خود را اجتماعی سیاسی و طبیعی می‌داند. اگرچه این تلقی از دیرباز به صورت تمایل ایجاد یا حفظ دولت‌مداران بیان شده است، اما این تلقی به شکل آگاهی مدنی نیز می‌تواند بروز پیدا کند. از لحاظ روان‌شناختی، ملت، گروهی از مردم است که با وفاداری مشترک یا دل‌بستگی و احساسی به نام میهن‌پرستی مشخص می‌شود؛ اما این گونه عواطف و تعلقات، شرط ضروری عضو شدن در ملت نیست؛ حتی افراد ساکن یک کشور هم که غرور ملی ندارد، ممکن است به‌طور رسمی، همچنان به ملت تعلق داشته باشند (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۵۷). هویت قومی در صورت تبدیل شدن به قوم

مداری افراطی و احساس برتری به اقوام دیگر، می‌تواند منشأ تعارض قومی و مانع همبستگی و انسجام جمعی در سطح جامعه باشد (عبداللهی، ۱۳۸۰: ۱۵۴).

۳-۳- توسعه فرهنگی

امروزه روشن‌شده است که فرهنگ با توسعه ارتباطی متقابل دارد. بسیاری معتقدند که ارتباطی خلاق و متقابل بین توسعه فرهنگی و توسعه‌یافتگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود. مفهوم توسعه فرهنگی نیز از کلید واژگان عمده این پژوهش است. توسعه فرهنگی در چند دهه گذشته از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. مفهوم توسعه فرهنگی از نگاهی متفاوت با این پژوهش، موضوع کاوش‌های گوناگون بوده است. منوچهر محسنی (۱۳۸۳) به بررسی آگاهی، نگرش و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران پرداخته است. او در پژوهش خود به آسیب‌های فرهنگی اشاره کرده و کیفی بودن امر فرهنگ را مورد بررسی قرار داده است. اسداله بابایی فرد (۱۴۰۰) به توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران توجه کرده و نشان داده‌شده است که توسعه فرهنگی در ایران با موانع متعددی همچون آسیب‌های هویتی و فرهنگی، فقدان روحیه فردگرایی، در معنای اصالت فردیت، فقدان شرایط تکثر فکری-فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی، مواجه است. محمدرضا حسینی (۱۳۷۷) به موانع فرهنگی توسعه در ایران پرداخته است. او ضمن ارائه تصویری از وضعیت توسعه فرهنگی در ایران، تحلیلی از فرهنگ سیاسی ایران ارائه می‌دهد و ویژگی‌های عمده آن را به تفکیک برمی‌شمارد. فقدان انگیزه موفقیت طلبی، اسطوره گرایی، توجه بیش‌ازحد به اصل و نسب، احساسی بودن، تمایل به تقلید، ذهن گرا بودن، گرایش به خشونت را از جمله موانع عمده‌ای می‌داند که بر سر راه توسعه در ایران وجود دارد. منصور وثوقی، هاشم، آرام و گودرز سلمانی (۱۳۹۱) موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران را بررسی می‌کرده‌اند؛ آن‌ها در این تحقیق فرهنگ سنتی، فرهنگ استبداد، سنت ایرانی و تأخر فرهنگی برآمده از نظام اجتماعی ناهمگون و نامتوازن جامعه را به‌عنوان موانع ساختاری توسعه فرهنگی در ایران معرفی می‌کنند.

۴- چهار چوب نظری پژوهش

صاحب‌نظران بعد از بررسی فرایند توسعه بعد از جنگ دوم جهانی به این نتیجه رسیدند که توسعه اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی مشروط به توسعه فرهنگی است. این بصیرت سبب شد تا مسائل و موضوع‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه مورد توجه قرار گیرد، به‌طوری‌که در قطعنامه شماره ۲۷ کنفرانس جهانی سیاست‌های فرهنگی در مکزیکوسیتی (۱۹۸۲) به کنفرانس عمومی یونسکو توصیه شد تا سومین دهه توسعه را به‌عنوان «دهه جهانی توسعه فرهنگی» به مجمع عمومی سازمان ملل پیشنهاد کند و بیست و یکم ماه مه میلادی به‌عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی اعلام گردد. یونسکو هم‌زمان با مجمع عمومی سازمان در سال ۱۹۸۸، دهه پایانی قرن بیستم را «دهه جهانی توسعه فرهنگی» نام نهاده است (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۸۹). بر این اساس در دهه‌های اخیر تلاش‌های فراوانی برای بازسازی الگوهای نظریه‌های فرهنگی موجود و ساختن نظریه‌های جدید صورت گرفته است تا پیچیدگی‌های امر فرهنگی بهتر درک و تبیین شود. توسعه فرهنگی در دو بعد مطرح می‌شود. بعد ایستایی^۱ توسعه فرهنگی، به توسعه عادلانه امکانات و فرصت‌های کمی فرهنگی اشاره دارد، درحالی‌که بعد پویایی^۲ توسعه فرهنگی به موضوع انطباق ارزش‌ها با شرایط زمانی و مکانی می‌پردازد. در بعد پویایی توسعه فرهنگی: «صاحب‌نظران فرهنگی معتقدند که هر سیاست فرهنگی که به مردم‌سالاری فرهنگی گرایش دارد و می‌خواهد توسعه فرهنگی را اعتلا بخشد باید متکی بر مشاهده رفتار و تحقیق در زمینه آرزوها باشد و بر تقاضاها اعتنا نماید، از این‌رو توسعه فرهنگی چیزی بیش از مصرف فرهنگی می‌باشد» (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۳۹). توسعه فرهنگی بر این اساس در تعریف سازمان جهانی یونسکو «توسعه و

¹ Static

² Dynamic

پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه باهدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به‌صورت که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد» تعریف شد؛ بنابراین، توسعه فرهنگی در تعریف عملیاتی به معنای گسترش ارزش‌های فرهنگی متناسب در راستای توسعه است.

همان‌گونه که پیش‌ازاین نیز اشاره شد به‌منظور بررسی مفهوم توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) بر مجموعه‌ای از ارزش‌ها تأکید شده است. به دلیل گستردگی نظریات مبانی نظری عملیاتی در این بخش به‌صورت کوتاه بسنده می‌کنیم. در مبحث دموکراسی به‌عنوان مبانی عملیاتی این تحقیق اشاره می‌کنیم که دوتوکویل معتقد است دموکراسی همانا برابر کردن مردم است. به نظر دوتوکویل، آن جامعه‌ای دموکراتیک است که تمایزی ناشی از سلک و طبقات در آن دیگر وجود ندارد و تمامی افراد جامعه، به لحاظ اجتماعی برابرند. در مورد مفهوم جهانی شدن از اصطلاح «جهان محلی شدن» رونالد رابرتسون که عقیده دارد این اصطلاح در تعریف اصیل خود به معنی «یک دیدگاه جهانی دوخته‌شده به شرایط محلی» است یا در زبان خشن‌تر بازاریابی که برای اولین بار این اصطلاح در مورد آن مطرح شد، به معنی شیوه‌ای است که کالاها، خدمات و تبلیغات برای بازارهای متفاوت محلی تولید می‌گردند، استفاده شد. جهت بیان مفهوم علم‌گرایی و عملیاتی کردن آن از نظریه مرتون که سعی کرد به توجیه زمینه‌های رشد علوم جدید بپردازد، وی بر این عقیده بود که رشد و توسعه علوم جدید از طریق دگرگونی‌هایی که در ارزش‌های موردقبول جامعه روی داد، موردحمایت و تشویق قرار گرفت، استفاده شود (عباسی، راسخ، کریمی، ۱۴۰۰)

۴-۱- فرضیه‌های تحقیق

به نظر می‌رسد بین قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

۴-۲- اعتبار و پایایی

اعتبار ابزار اندازه‌گیری بر اساس اعتبار صوری اقدام گردید و برای محاسبه ضریب قابلیت اعتماد (روایی) ابزار اندازه‌گیری از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

جدول شماره (۲): آلفای کرونباخ متغیرهای موردبررسی در پرسشنامه

متغیر	میزان پایایی
دموکراسی	۰/۸۵۲
جهانی شدن	۰/۹۱۱
علم‌گرایی	۰/۸۷۴
تقدیرگرایی	۰/۹۱۱
قوم‌گرایی	۰/۷۸۴

۵- یافته‌های تحقیق

۵-۱- آمار توصیفی

یافته‌ها و نتایج تحقیق در بخش آمار توصیفی و نمونه افراد جامعه آماری که در تکمیل پرسشنامه مشارکت داشته‌اند، نشان می‌دهد که غالب پاسخگویان مرد با تعداد ۲۵۵ نفر از جامعه آماری بوده‌اند و اکثریت پاسخگویان دارای سنی بین ۱۸ تا ۴۵ سال با تعداد ۲۷۵ نفر و همین افراد غالباً متأهل با تعداد ۳۰۱ نفر و دارای شغل آزاد با تعداد ۲۱۸ نفر و دارای مدرک تحصیلی دیپلم با تعداد ۱۱۹ نفر بوده‌اند و بیشترین تعداد دارای مدرک دیپلم بوده‌اند. تعداد ۱۸۵ نفر با درآمد دو میلیون و هشتصد هزار

تومان تا پنج میلیون تومان و دیگران دارای درآمدی کمتر و یا بیشتر از این مبلغ بوده‌اند و قومیت غالب افراد فارس با ۱۵۳ نفر بوده است.

۵-۲-آمار استنباطی

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین قوم مداری و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: ضریب همبستگی پیرسون بین قوم مداری و توسعه فرهنگی

متغیر	ضریب همبستگی	توسعه فرهنگی	قوم مداری
توسعه فرهنگی	ضریب همبستگی معناداری	۱	۰/۰۰۰**
	تعداد	۳۸۴	۰/۰۰۰
قوم‌گرایی	ضریب همبستگی معناداری	۰/۰۰۰**	۱
	تعداد	۳۸۴	۰/۰۰۰

بررسی رابطه بین قوم‌گرایی (متغیر مستقل) و توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول فوق، مشاهده می‌کنیم که چون $sig=000/0 < 0/10$ پس در سطح ۹۹ درصد به بالا آزمون معنادار است و یعنی بین توسعه فرهنگی و قوم‌گرایی ارتباط معناداری وجود دارد. از طرفی عدد مربوط به ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه که برابر ۰/۰۰۰ و نزدیکی به منفی یک است نیز نتیجه فوق را تأیید می‌کند. علاوه بر این، عدد مربوط به ضریب همبستگی رابطه معکوس بین این دو مؤلفه را نشان می‌دهد و این یعنی با افزایش میزان توسعه فرهنگی میزان قوم مداری کاهش می‌یابد و برعکس. فرضیه دوم: به نظر می‌رسد تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۴: ضریب همبستگی پیرسون بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی

متغیر	ضریب همبستگی	توسعه فرهنگی	تقدیرگرایی
توسعه فرهنگی	ضریب همبستگی معناداری	۱	۰/۰۰۰**
	تعداد	۳۸۴	۰/۰۰۰
تقدیرگرایی	ضریب همبستگی معناداری	۰/۰۰۰**	۱
	تعداد	۳۸۴	۰/۰۰۰

بررسی رابطه بین تقدیرگرایی (متغیر مستقل) و توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) نشان می‌دهد که با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از جدول فوق، مشاهده می‌کنیم که چون $sig=000/0 < 0/10$ پس در سطح ۹۹ درصد به بالا آزمون معنادار است و یعنی بین توسعه فرهنگی و تقدیرگرایی ارتباط معناداری وجود دارد. از طرفی عدد مربوط به ضریب همبستگی بین این دو مؤلفه که برابر ۰/۰۰۰ و عددی نزدیک به منفی یک است نیز نتیجه فوق را تأیید می‌کند. علاوه بر این، عدد مربوط به ضریب همبستگی رابطه

معکوس بین این دو مؤلفه را نشان می‌دهد و این یعنی با افزایش میزان توسعه فرهنگی میزان تقدیرگرایی کاهش می‌یابد و برعکس.

به‌منظور پیش‌بینی رابطه متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی - قوم‌مداری) و متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) از رگرسیون استفاده می‌نماییم و در این تحقیق ابتدا به رگرسیون خطی ساده به‌منظور پیش‌بینی رابطه یک متغیر وابسته بر روی یک متغیر مستقل می‌پردازیم و سپس به رگرسیون چندگانه (چند متغیره) توجه می‌کنیم.

بررسی پیش‌بینی رابطه متغیر مستقل قوم‌مداری بر متغیر وابسته توسعه فرهنگی از طریق رگرسیون خطی ساده صورت گرفته که نتیجه ذیل به‌دست‌آمده است.

جدول شماره ۵: رگرسیون خطی ساده بین قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی.

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون ۱	۴۵۹۷۸/۰۰۰	۱	۴۵۹۷۸/۰۰۰	۱۴۴/۰۰۰	۰۰۰ ^b
باقیمانده	۱۲۱۸۰۶/۰۰۰	۳۸۳	۳۱۸/۰۰۰		
جمع	۱۶۷۷۸۵/۰۰۰	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به‌منظور تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می‌شود. همان‌گونه که دیده می‌شود Sig برابر صفر است یعنی همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می‌دهد که متغیر مستقل (قوم‌مداری) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می‌تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید؛ به‌عبارت‌دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیر مستقل (قوم‌مداری) موردنظر را تبیین کنیم.

بررسی پیش‌بینی رابطه متغیر مستقل تقدیرگرایی بر متغیر وابسته توسعه فرهنگی از طریق رگرسیون خطی ساده صورت گرفته که نتیجه ذیل به‌دست‌آمده است.

جدول شماره ۶: رگرسیون خطی ساده بین تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی.

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون ۱	۲۰۳۴۱/۰۰۰	۱	۲۰۳۴۱/۰۰۰	۵۳/۰۰۰	۰۰۰ ^b
باقیمانده	۱۴۵۵۷۴/۰۷۵	۳۸۳	۳۸۲/۰۸۴		
جمع	۱۶۵۹۱۶/۰۶۸	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به‌منظور درک تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می‌شود. همان‌گونه که دیده می‌شود Sig برابر صفر است یعنی همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می‌دهد که متغیر مستقل (تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می‌تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید؛ به‌عبارت‌دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل

خوبی است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیر مستقل (تقدیرگرایی) موردنظر را تبیین کنیم.

به‌منظور درک رابطه خطی موجود بین این مجموعه از متغیرهای مستقل کنترل‌شده (تقدیرگرایی و قوم‌گرایی) با یک متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) و درک روابط موجود بین متغیرهای مستقل به رگرسیون خطی چندگانه (چند متغیره) در این قسمت می‌پردازیم تا بتوانیم به مطالعه تأثیرات چند متغیر مستقل در متغیر وابسته بپردازیم.

جدول شماره ۷: رگرسیون خطی چندگانه بین قوم‌گرایی و تقدیرگرایی بر توسعه فرهنگی

Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون ۱	۵۸۵۱۳/۰۰۰	۲	۲۹۲۵۶/۰۰۰	۱۰۳/۰۰۰	۰۰۰ ^b
باقیمانده	۱۰۷۴۰۲/۰۰۰	۳۸۲	۲۸۲/۰۰۰		
جمع	۱۶۵۹۱۶/۰۶۸	۳۸۴			

جدول فوق (Anova) به‌منظور تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) در دو منبع رگرسیون و باقیمانده نشان داده می‌شود. همان‌گونه که دیده می‌شود Sig برابر صفر است یعنی همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این را نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل (قوم‌مداری-تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار است و می‌تواند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نماید؛ به‌عبارت‌دیگر مدل رگرسیونی تحقیق مدل خوبی است و به کمک آن قادریم تا تغییرات متغیر وابسته (توسعه فرهنگی) را به کمک متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی-قوم‌مداری) موردنظر را تبیین کنیم.

۶- نتیجه

پس از انجام تحقیق در شرایط مناسب، اطلاعات تحقیق خلاصه و تفسیر گردید و نتایج ذیل به دست آمد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و فروپاشی برخی کشورهای استعماری، کشورهای توسعه‌نیافته در آستانه طراحی مجدد بنای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خود برآمدند. در این میان مکاتب گوناگون توسعه (نوسازی-وابستگی-نظام جهانی) طی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ مطرح شدند و وجوه مختلف مفهوم توسعه کندوکاو گردید.

برداشت‌های گوناگونی از مفهوم توسعه شد و ناکارآمدی و عدم توانایی مکاتب توسعه اقبال اندیشمندان را بر مباحث فرهنگی متمایل گردانید و ساختن نظریه‌های جدید فرهنگی صورت گرفت تا پیچیدگی‌های امر فرهنگی بهتر درک و تبیین شود و بخصوص مفهوم توسعه فرهنگی مطرح گردید. توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایش انسان‌های جوامع به وجود می‌آید و حاصل فرایند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های غلط پیشین و جایگزینی آن با تفکری است که در اجتماع، محور تفکر انسان قرار گرفته و هدف آن دستیابی به نگرشی نو و دانایی محور نسبت به تمام مسائل جهان است و بر بهبود مداوم در همه عرصه‌های زندگی انسانی اعم از مادی، معنوی و بهبود مبانی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی تأکید دارد.

در این تحقیق توسعه فرهنگی (متغیر وابسته) را با استفاده از مجموع ارزش‌های زمین‌هایی سنجیده و سپس به موانع این نوع توسعه، تقدیرگرایی و قوم‌گرایی (متغیر مستقل) پرداخته شده است و در غالب مبانی عملیاتی تحقیق و عملیاتی کردن فرضیه‌های تحقیق از نظریات متناسب اندیشمندان و بزرگان جامعه‌شناسی جهان استفاده شد. به‌منظور انجام این تحقیق شهر شیراز به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شد و با استفاده از نمونه‌گیری خوش‌هایی و به دست آوردن حجم نمونه با توجه به آخرین

سرشماری جمعیت در سال ۹۵ در این شهر ۳۸۴ سرپرست خانواده را انتخاب نموده و پس از بررسی روایی و اعتبار، پرسشنامه‌ها توزیع گردید و با بررسی از طریق نرم‌افزار SPSS به نتایج ذیل دست‌یافتیم.

طرح فرضیه اول که به رابطه تقدیرگرایی و توسعه فرهنگی اشاره دارد و اثبات این فرضیه بر اساس نتایج حاصل و با بررسی نظریه مانفرد (۱۹۷۶) در جوامعی که تقدیرگرایی به‌عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی است طی آن افراد جامعه تحت تأثیر نیرویی ماورا طبیعی خود را منفعل، بی‌اراده، بی‌تصمیم و بی‌قدرت دانسته و یکی از موانع بزرگ توسعه فرهنگی است. در این جوامع به دلیل حاکمیت عرف، تولید مرحله قبل صنعتی، عدم تولید انبوه، حداقل تحرک طبقه ای و تقسیم‌کار، سواد پایین و عدم اطلاع از تاریخ و حداقل تیم کار و تخصصی، انسجام نوع مکانیکی، احساس ناتوانی و ناامیدی و حاکمیت تسلیم و رضایت که از شاخص‌های جوامع جهان‌سومی است. در جوامعی می‌توان یافت که در آن ارزش تقدیرگرایی وجود دارد، به این نتیجه می‌رسیم که این نظریه تطابقی صحیح با جامعه آماری دارد و نظریه مانفرد در این جامعه احاطه دارد و مورد تأیید است. فرضیه دوم به رابطه قوم‌گرایی و توسعه فرهنگی اشاره دارد و اثبات این فرضیه بر اساس نتایج حاصل و بر اساس مفهوم قوم‌گرایی اندرو هیوود و آنتونی اسمیت از صاحب‌نظرانی هستند که سعی دارد با توجه به گوناگونی دیدگاه‌های مفهوم «ملت» و «قوم» و مفاهیم متناظر آن‌ها، ناسیونالیسم ملی و قومی را روشن کند. به لحاظ فرهنگی ملت گروهی از مردم است که به‌واسطه زبان، دین، مذهب، تاریخ و سنت‌های مشترک باهم پیوند یافته‌اند، با این وجود، ملت‌ها سطوح گوناگونی از همگنی فرهنگی را نیز بروز می‌دهند؛ اما این‌گونه عواطف و تعلقات، شرط ضروری عضو شدن در ملت نیست؛ حتی افراد ساکن یک کشور هم که غرور ملی ندارد، ممکن است به‌طور رسمی، همچنان به ملت تعلق داشته باشند. آنتونی اسمیت با ارائه این تحلیل که وجود اقوام مختلف دلیلی به‌رعدم امکان شکل‌گیری ملت در یک جامعه نیست بیان می‌دارد که آنچه این اقوام پراکنده و گاه متفاوت را به‌صورت ملتی یکپارچه درمی‌آورد و هویتی متفاوت از تک‌تک اجزاء یا همان قوم تشکیل می‌دهد، این نظریه تطابقی صحیح با جامعه آماری دارد و نظریات اندرو هیوود و آنتونی اسمیت در این جامعه احاطه دارد و مورد تأیید است.

در این تحقیق همچنین به‌منظور پیش‌بینی روابط فوق از رگرسیون استفاده شده است. طبق نتایج مشاهده شده Sig برابر صفر است یعنی همان‌گونه که از جدول مشخص شد، مقدار سطح معناداری برابر صفر است که در سطح ۱ درصد معنادار است و این نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل (قوم‌گرایی-تقدیرگرایی) از قدرت تبیین بالایی برخوردار هستند و می‌توانند درصد بالایی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند. طبق این نتیجه پیش‌بینی می‌شود متغیرهای مستقل (تقدیرگرایی-قوم‌گرایی) که به‌عنوان موانع توسعه فرهنگی عنوان شده‌اند در یک جامعه که قصد طی مسیر توسعه را دارد از موانع عظیم توسعه هستند و این جوامع می‌بایست پس از رفع این موانع ارزشی در راستای ایجاد و نوسازی ارزش‌های زمینه‌ساز توسعه فرهنگی گام بردارند.

بنا بر تحقیق فوق و با توجه به اثبات فرضیه‌ها، طی طریق توسعه در ایران توسعه فرهنگی است که از سوی محافل بین‌المللی و برخی اندیشمندان مورد تأکید می‌باشد. لذا در این مسیر دشوار از بین بردن برخی موانع اساسی همچون تقدیرگرایی و قوم‌گرایی به دلیل میزان تأثیرگذاری آنان در توسعه فرهنگی از یک‌سو و از سوی دیگر ایجاد زمینه گسترش مجموعه‌هایی از ارزش‌هایی که زمینه‌ساز و بنای توسعه فرهنگی بر آنان است، ضرورتی انکارناپذیر است. البته متغیرهای دیگری نیز می‌تواند در مسیر این نوع توسعه دخیل باشند که تحقیقاتی دیگر را طلب می‌کند.

منابع

- احمدزاده کرمانی، روح‌الله (۱۳۹۰)، بازانديشی در فرهنگ و رسانه، تهران، نشر چاپا
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶)، بررسی نظریه نوسازی: مطالعه موردی درباره تقدیرگرایی فرهنگی در ایران، نشریه فرهنگ، شماره ۲۲ و ۲۳: ۱۹۱-۲۰۸
- بابایی فرد، اسداله (۱۴۰۰)، «عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پایبندی به سبک زندگی اسلامی در میان دانشجویان دانشگاه کاشان»، دوره ۱۳، شماره ۲۶، ۲۵۷-۲۸۷.

- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸)، فرهنگ شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن، تهران، انتشارات پیام امروز.
- جلایی پور، حمیدرضا، (۱۳۹۲)، نظریه‌پردازان متأخر جامعه‌شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، محمد رضا (۱۳۷۷)، «موانع فرهنگی توسعه در ایران»، مطالعات راهبردی، شماره ۱.
- راستی، هادی، اسماعیل رحمانی، (۱۳۹۵)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی در نواحی روستایی»، فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، سال پنجم، شماره نوزدهم
- راسخ، کرامت اله (۱۳۹۵)، «هویت‌های عمومی در ایران»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره ۱۸، ص. ۱۳۵-۱۱۹
- ریویر، کلود، (۱۳۸۶)، درآمدی بر انسان‌شناسی، ترجمه ناصر فکوهی، چاپ هفتم، تهران، نشر
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). مقدم‌هایی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ سوم.
- شجاعی، جواد. (۱۳۸۴). عوامل روانی - اجتماعی بر تقدیرگرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه اصفهان.
- شفائی مقدم، الهام؛ نیازی، محسن (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر میزان تقدیرگرایی زنان، جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۱.
- عباسی نصرآباد سفلی، عبدالرسول؛ راسخ، کرامت اله؛ کریمی، مجیدرضا (۱۴۰۰)، «تأثیر سیاست اسکان اجباری بر ساختار اجتماعی قوم لرستان کهگیلویه و بویر احمد»، پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
- عباسی نصرآباد سفلی، عبدالرسول؛ راسخ، کرامت اله؛ کریمی، مجیدرضا (۱۴۰۰)، «سیاست عشایری دودمان پهلوی بر ساختار اجتماعی سیاست قوم لر بویر احمدی»، مطالعات اجتماعی ایران.
- عبدالهی، محمد، (۱۳۸۰)، «تنوع قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، بخش دوم»، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۹.
- عرفان منش، ایمان، (۱۴۰۰)، «تناظر اصل قوم مداری روش‌شناختی ماکس وبر با جامعه‌شناسی بومی-تمدنی: پردازش مفهومی برای «تمدن-جامعه‌شناسی»»، نشریه: نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران.
- لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی توسعه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام ن
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۳)، بررسی آگاهی‌ها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، تهران: شورای فرهنگ عمومی کشور.
- وثوقی، منصور؛ آرام، هاشم؛ سلمانی، گودرز (۱۳۹۱)، «بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالشها و راهکارها»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۳، ۸۱-۹۶.
- هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشرنی.
- یوسفی، علی، احمدرضا اصغر پور ماسوله، (۱۳۸۸)، «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.
- یوسفی، علی، احمدرضا اصغر پور ماسوله، (۱۳۸۸)، «قوم‌مداری و اثر آن بر روابط بین قومی در ایران»، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۱.

منابع خارجی

- Armbrrecht, J., & Andersson, T. D. (2013). *Culture and Value Creation. A Scandinavian Perspective*, Routledge.
- Deaux, K. (2001). *Social Identity*, City University of New York, Academic Press
- Magdaienda, P. S., & Agnieszka, W. (2022). *EPRS/ European Parliamentary. Research Service*.
- Webster, A. (1991). *Introduction to the Sociology of Development*, London, Macmillan.